



علی (ع) در جامعه‌ای قدم به عرصه زندگی نهاد که از یک سو بت‌های کعبه و از سوی دیگر بت‌های ستمگر اجتماع به جان مردم افتاده بودند. بت‌های کعبه که به غلط نام تقدس به خود گرفته بودند، مغز و فکر مردم را سیاه و تاریک نموده بودند و بت‌های اجتماع هم زندگی مادی آنها را به تباهی کشیده بود و اقتصاد آنها را به یغما می‌بردند. ظلم و ستم از در و دیوار جامعه فرو می‌بارید. و نظامات ظالمانه، توده‌های وسیع جمعیت را به بندگی و بردگی یک عده گردن‌کش در آورده بود.

قاعده طبیعی این است که افرادی که در چنین جامعه‌هایی تربیت می‌شوند به رنگ همان جوامع درآیند و به موجب تاثیر قطعی‌ای که جامعه در فرد دارد آنها نیز این نظامات غلط را بپذیرند و همچون دیگران به رنگ محیط در آیند.

ولی این قاعده در مورد افراد استثنایی به هم می‌خورد. این افراد استثنایی نه تنها تحت تاثیر شرایط جامعه قرار نمی‌گیرند، بلکه می‌کوشند تا جامعه را نیز عوض کنند و آن را از مسیر زشت و زنده‌ای که دارد، باز دارند؛ و علی (ع) از این قبیل افراد بود، او در برابر خود جامعه‌ای می‌دید با تمام مشخصات عقب افتادگی. قبل از هر چیز می‌دید که جامعه از نظر مالی به دو قطب ثروتمند و فقیر تقسیم شده است. اقلیتی ثروتمند در یک طرف، و اکثریتی فقیر و فاقد همه چیز در طرف دیگر قرار گرفته‌اند.

### علی (ع) قهرمان عدالتخواه بشر

در تاریخ بشریت گاه می‌شود که تمام عوامل دست به دست هم می‌دهند و جامعه‌ها را از مسیر عدالت و فضیلت خارج می‌سازند.

در چنین لحظاتی است که جوامع انسانی به سرعت رو به سقوط و ننگ و بدنامی سیر می‌کنند، عدالت می‌میرد، شرف و فضیلت نابود می‌شود و آزادی محو می‌گردد. کم‌کم عقاید غلط و باطل، نظام‌های اجتماعی فاسد و ننگین، سیستم‌های اقتصادی ظالمانه، خوی و عادت مردم می‌شود و مردم در این همه بدبختی و انحراف غرق می‌شوند. دیگر حتی بدبختی را هم احساس نمی‌کنند. سیه‌روزی و ستم‌کشی را لازمه حیات تصور می‌کنند و زندگی را همان منجلاپی می‌دانند که در آن دست و پا می‌زنند. آن‌چنان فکر و روحشان تخدیر می‌شود که حتی به فکر خوشبختی و زندگی بهتر هم نمی‌افتند. در این موقع است که هر گونه تحرک فکری هم از آنان سلب می‌گردد و یا بهتر گفته باشیم، ستمگران اجتماع هر گونه فروغ و جنبش فکری را نیز در آنها کشته‌اند.

و ناگفته پیداست که این مرحله آخرین درجه بدبختی یک جامعه به حساب می‌آید. در چنین شرایطی نیروی یزدانی به کار می‌افتاد و به منظور نجات انسان‌ها شرایط تحول و نهضتی سعادت بخش را آماده می‌کرد. در این موقعیت‌ها بوده است که پیامبران الهی ظهور کرده‌اند و یا مردانی چون علی (ع) قدم به عرصه حیات نهاده‌اند، دنیایی که قهرمان بزرگ اسلام علی (ع) به آن وارد می‌شود در چنین شرایطی بوده: مردم در سیه‌روزی و بدبختی غرق بودند ولی آن را درک نمی‌کردند، و چون درک نمی‌کردند به فکر نجات خود هم نمی‌افتادند.

لازم بود که در چنین شرایطی دست رحمت الهی به سوی مردم دراز شود، و شرایط تحول همه جانبه‌ای را از هر جهت فراهم سازد.

و خداوند در تدارک آماده کردن این شرایط بود. از یک طرف علی تکوین می‌یافت، و از طرف دیگر مقدمات تکوین مکتبی بزرگ و پرشکوه و عدالتخواه به نام اسلام فراهم می‌شد، همان مکتبی که باید علی (ع) را در خود پرورش دهد و سپس او را به صورت قهرمانی بزرگ و ستم شکن روانه میدان اجتماع سازد.

این مکتب، مکتب اسلام بود که با دست توانای محمد(ص) در جهان پایه گذاری شد. در همان هنگام که چشمان تیزبین علی(ع) در جامعه خود به بررسی می پرداخت، از خیلی جلوتر دو چشم قوی و نیرومند دیگر نیز جامعه عرب را مورد بررسی و مطالعه قرار داده بود. این دو چشم از آن محمد فرزند عبدالله و پسرعموی علی بود.

او نیز چهل سال با دقتی عمیق و همه جانبه، جامعه خود را که سرشار از ننگ حق شکنی بود مطالعه کرد، همین مطالعات بود که او را آماده رهبری کرده بود. آماده کرده بود تا با دست‌های توانایش مکتبی بزرگ و آئینی جاودانی پایه‌گذاری شود. سرانجام محمد(ص) به پیامبری مبعوث شد و رسالت جهانی خود را آغاز کرد.

علی(ع) در سیمای زندگی محمد(ص) به مطالعه و بررسی پرداخت، صفاتی خاص در او مشاهده کرد؛ صفاتی ملکوتی و آسمانی. او را غیر از دیگران یافت. او تا به حال اشخاص را دیده بود که با داشتن عنوان اشرافیت، ملتی را به زنجیر می‌کشیدند و از خون آنها ارتزاق می‌کردند؛ مردمی را دیده بود که جز سنگدلی و شقاوت چیزی نمی‌شناختند. مردمی که زیر بنای کاخ‌های مجللشان را بدن‌های استخوانی و رنج کشیده انسان‌های محروم تشکیل می‌داد. او تاکنون ابوسفیان‌ها، ابوجهل‌ها و ابولهب‌ها را دیده بود. این‌ها شخصیت‌های کاذبی بودند که در تابلو زندگی‌شان رقمی از انسانیت و رحم و مروت دیده نمی‌شد. و اکنون او در برابر خود، محمد(ص) را می‌بیند.

محمد(ص)، شخصیتی که سر تا پا مهر و عاطفه و محبت است، شخصیتی که چهره رنگ پریده بینویان، دلش را می‌لرزاند و قلبش را سرشار از غم و اندوه می‌کند؛ محمدی که حتی نان شب خود را به بینویان می‌دهد، محمدی که بر یتیمان پداری می‌کند و دست پر مهر خود را به سر و روی آنان می‌کشد.

محمدی که مانند او از بی‌عدالتی‌ها و حق‌کشی‌ها رنج می‌برد. علی آنچه را که از یک الگوی کامل می‌خواست در وجود پیامبر می‌دید، می‌دید که او با قاطعیت بیشتری اوضاع اجتماعی را محکوم می‌کند و با اندیشه و تفکر نافذتری راه صحیح را ارائه می‌دهد. علی تحت تاثیر این قاطعیت و این همه شکوه انسانی که در وجود محمد خلاصه شده بود، قرار گرفت... و به آن حضرت ایمان آورد، و دست بیعت در دست محمد گذارد.

چنین مقدر شده بود که افکار علی(ع) نخست در وجود محمد(ص) و سپس در قالب آئین اسلام شکل گیرد، و با این شکل‌گیری، بزرگ‌ترین مرد حق و عدالت در صحنه جهان به وجود آید. مردی که به کالبد عدالت اسلامی روح بدمد و صحنه‌های زنده و گویای آن را بر تابلو حیات پدرخشش خویش ترسیم نماید و چشم‌اندازی بدیع و خیره کننده در برابر چشمان بشریت بگذارد.

## معرفی کتاب



**کتاب «غدیر شناسی و پاسخ به شبهات اثر علی‌اصغر رضوانی» انتشارات «مسجد مقدس جمکران».**

نویسنده در این کتاب با به‌کارگیری شیوه و ادبیات آسان و شیوا کوشیده است با بیان صدها عنوان در حوزه غدیرشناسی و آیات و روایات مربوط به آن، پاسخ‌هایی درخور، علمی و شایسته تهیه و با بهره‌گیری از منابع شیعی و سنی، اتهامات و ابهامات موجود را طرح و رد نماید. این کتاب یکی از بهترین آثار در حوزه پاسخ‌گویی به شبهاتی است که درباره واقعه غدیر عنوان شده‌اند و شامل موضوعاتی چون، «غدیر و وحدت اسلامی»، «ضرورت تعیین جانشین برای پیامبر(ص)»، «برتری امام علی(ع) بر سایر صحابه»،

«تدابیر پیامبر(ص) بر خلافت امام علی(ع)» است. تبیین و تشریح حدیث غدیر، آیه «تبلیغ» و آیه «اکمل» از دیگر بخش‌های این اثر دینی است که بر ویژگی‌های آن می‌افزاید. نویسنده این اثر با به‌کارگیری نثری روان و ساده کوشیده است تعداد فراوانی از شبهات حوزه غدیرشناسی و روایات این موضوع را در منابع شیعی و سنی استخراج کند و به آن‌ها پاسخ گوید. این کتاب در کتابخانه دفتر تربیتی موجود می‌باشد.